



## تاریخچه و یلن

( دنباله شماره پیش )

بقلم سون آرا کلیان  
هنرآموز هنرستان عالی موسیقی

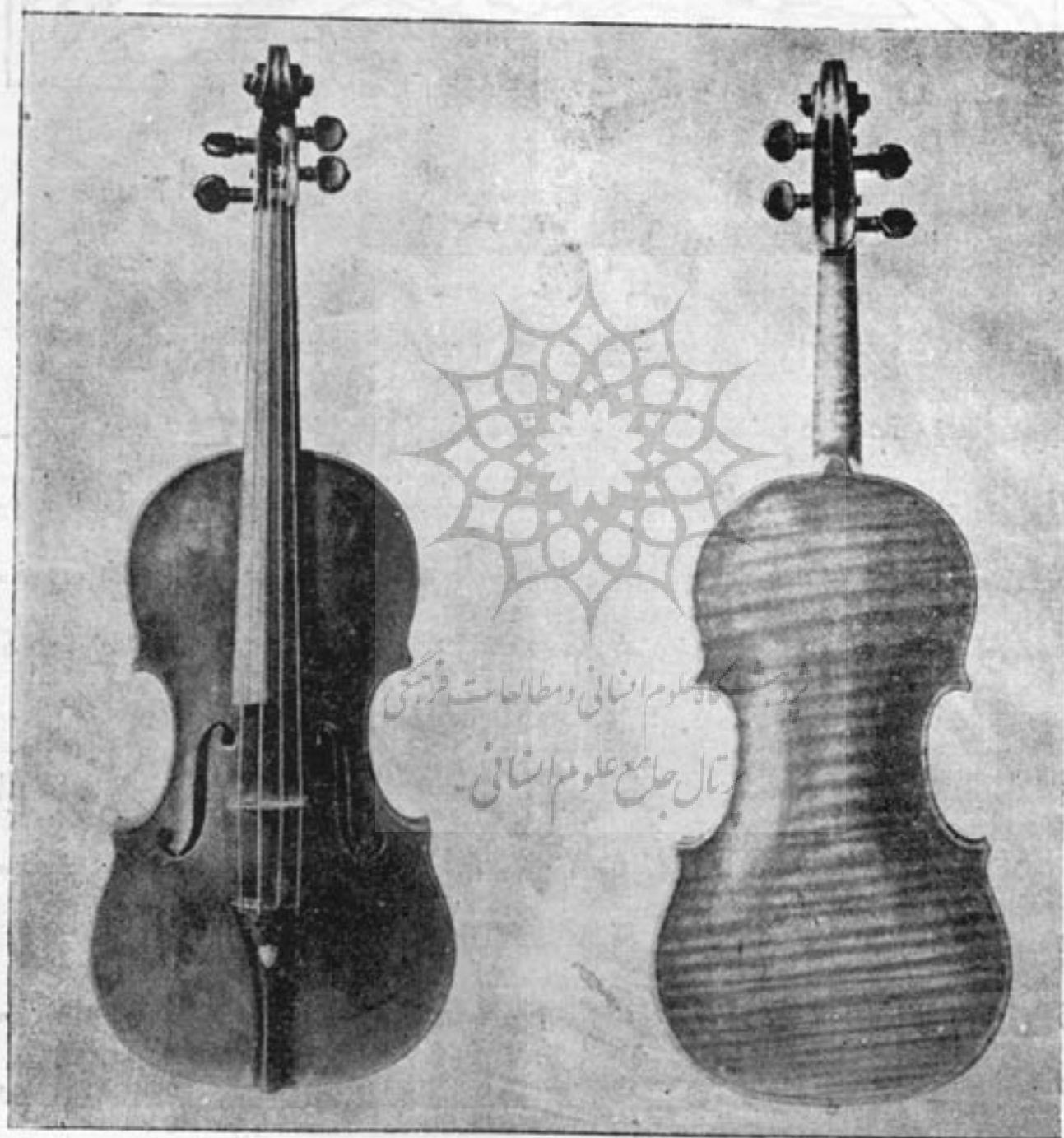
از زندگی گوارنری اسناد زیادی در دست نمیباشد. بروایتی او زندگی نامرتبی بسر میبرد. بیشتر وقت خود را صرف میخوارگی و قمار مینموده؛ مدتی زندانی بوده و ویلونهای خشن را در آنجا ساخته است. بروایت دیگر گوارنری کشیش بوده و در فرقه مذهبی که لویولا Loyola تأسیس نمود داخل شده بوده است. بهای یک ویلون کار گوارنری دل جزو، که بخوبی نگاهداری شده باشد امروزه به یک میلیون فرانک میرسد. هنر ساختمان آلات موسیقی که توسط شاگردان آماتی و استرادیواریوس ابداع شد، در سرتاسر ایتالیا شایع گردید، دبستانهای ناپل، فلورانس و ونیز بیش از صد نفر سازنده مشهور به دنیا معرفی کردند.

باید متذکر شد که اعقاب خانواده گالیانو Galiano تا اوایل قرن بیستم میزیسته اند ( وینچنتزو Vincenzo گالیانو - وفات ۱۸۸۶ ) و تقلیدهای کاملی از ویلونهای نیاکان خود نموده اند. اعضای خانواده مشهور گوادانینی Guadagnini تا امروزه حرفه خانوادگی خود را دنبال میکنند. (۱)

در خاتمه باید متذکر شد که دبستان تیرل Tyrol نزدیکترین دبستان بدبستان

(۱) Francesco Guadagnini à Turin .

ایتالیائی است. مؤسس این دبستان یا کبوس اشتاینر J. Steiner (۱۶۲۱-۱۶۸۳) میباشد که در ایتالیا کار کرده و نیز گمان می کنند که مانند استرادیواریوس شاگرد اهاتی بوده است. این سازنده شهرت بسزائی دارد. در تمام کشورها بخصوص در انگلیس سازندگان ویلون از کارهای او تقلید مینمایند. او در عین حال نوازنده مشهور ویلون بوده است.



ویلن کار ژزف گوآرنری دل ژزو

تا اوایل قرن نوزدهم سازندگان ایتالیائی خارج از میهن خود شهرت زیادی

نداشتند؛ در فرانسه و انگلیس و آلمان اشتایمر مشهورترین سازنده بشمار میآمده است. توده مردم بمزایای فوق العاده ویلونهای استرادیواریوس و گوارنری پی نبرده بودند مگر بتوسط ویلونئیست های مشهور مانند: بکرینی Boccherini، ویوتی Viotti، مازاس Mazas، لافن Lafon، رود Rode، کرویتزر Kreutzer، و پاگانینی Paganini.

شارل بریو Bériot اولین بار با ویلون کار ماجینی Maggini در مقابل حضار نواخت و شنوندگان از زیبایی فوق العاده صدای این ویلون تعجب نمودند. لکن ویلونهای ایتالیائی توسط لوئیجی تاریزیو Luigi Tarisio در خارجه شهرت یافتند.

تاریزیو - (۱۸۰۰-۱۸۵۴) ابتدا پیشه نجاری داشت، ضمناً دوستدار موسیقی بود و هنگام فراغت را صرف آموختن ویلون مینمود. ویلون او خیلی بد بود، ولی بعلت دست تنگی نمیتوانست ویلون بهتری برای خود تهیه بکند. لذا در جستجوی خرید ویلون بهتری، مقداری ویلون کهنه در خانه های شخصی و در دکانهای سمساری بدست آورد که صدای روشن و کامل آنها را به تعجب انداخت. درقبال این جستجوی دائمی تاریزیو بوجمع کنندۀ دلباخته ویلونهای کهنه شد. در شهرهای ایتالیا شروع بمسافرت کرد و کارش این بود که ویلونهای شورا با ویلونهای کهنه تاخت میزد.

در نتیجه، تاریزیو در تشخیص سازندگان قدیم آلات موسیقی ایتالیائی متخصص شد. اولین بار پای پیاده بیاریس مسافرت کرد. در آنجا نزد متخصصین ویلون موفقیت شایانی حاصل نمود. تاریزیو در مسافرتهاى که بعد بیاریس و لندن کرد، پول گزافی بچنگ آورد. از آنجائی که از معاشرت با مردم گریزان بود و الفت با کسی نمیگرفت؛ چند روز بعد از مرگس همسایگان او اطلاع یافتند، زیرا مدتی بود که از اطاقش خارج نمیشد. همینکه در اطاقش را شکسته وارد شدند تاریزیو را در میان آلات موسیقی که بی ترتیب به اطراف اطاق ریخته بود مرده یافتند.

بیش از سه قرن از اختراع اولین نمونه ویلون توسط کاسپارو داسالو میگذرد،

با وجودیکه کشفیات جدیدی در علوم فیزیک و شیمی و غیره نموده اند، نه تنها نتوانسته اند در ساختمان ویلون تغییری بدهند، بلکه از درک «رموز ویلون سازهای قدیم ایتالیا» نیز ناتوان میباشند، یعنی علل زیبایی و قوت صوت آلات قدیم ایتالیائی را هیچیک از سازندگان نتوانسته است دریابد.



ویلن کار یا کبوس شتاینر

مثلا سازنده شهیر و خبره فرانسوی ژان باتیست وییوم J. B. Vuillaume (۱۷۹۹-۱۸۷۵) مجموعه گرانبهائی از ویلونهای قدیم ایتالیا داشت که ازوارثهای

تاریخ و خریداری نموده بود و بصرافت جستجوی اسرار سازندگان قدیم ایتالیا افتاد و چندین ویلون قدیمی را فدای تحقیقات علمی نمود. با همکاری دانشمند فرانسوی ساوار (Savart) قطعات مختلف ویلون را از هم جدا کرد، ورنی و چوب آن را تجزیه شیمیائی نمود، و نیز استخوان بندی، حجم، چوب و قسمت‌های مختلف آن را تحت مطالعه دقیق قرار داد. از روی این نمونه‌ها ویلونهائی با دقت موشکافی ساخت؛ و ویلونهای خود را در مقابل اشخاص برگزیده، علما و موسیقی دانها بمعرض نمایش گذاشت. متأسفانه این ویلونها فقط ویلونهای خوب جدیدی بودند، ولی زیبایی، حرارت و قدرت صوت ویلونهای قدیم ایتالیائی را نداشتند.

آزمایش بی نتیجه سازندگان جدید سبب شد که قیمت آلات موسیقی قدیم ایتالیائی ترقی فوق العاده نمود. چنین نتیجه شد که کسیکه «رموز سازندگان قدیم ایتالیا» را کشف بنماید میلیونر خواهد شد. در تمام ممالک عدّه زیادی در دفتر انحصار حق اکتشاف، اسم خود را ثبت میکردند. مثلاً دستهای اظهار میداشتند که اساس این رمز در ترکیب مخصوص روغن جلائی است که سازندگان قدیم ایتالیا استعمال مینموده‌اند، دسته دیگر ادعا می‌کردند این رمز مربوط بطرز خشک کردن چوب و استعمال مواد شیمیائی مخصوصی است و غیره...

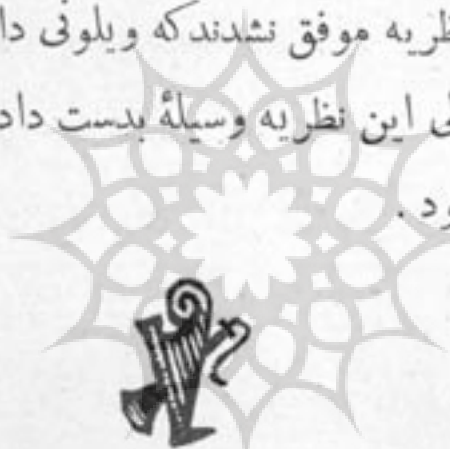
یکی از بازرگانان هامبورگ اولاور Olaver که در احضار ارواح کار میکرد؛ اظهار داشت که روح استرادیوار یوس با او ظاهر شد و او را آموزش خود را با او آشکار کرده است. این خبر جنبش و غوغا برپا کرد. اولاور شرکت سهامی بنام «روالو Revalo» (قلب اسم خود) تشکیل داد، سهام بزودی فروخته شد. بنظر می‌آید که تمام رمز عبارت از این بود که روی ویلونها را قبل از جلا دادن قبلاً از یک قشر کائوتشوک شفاف میپوشانیده‌اند.

ژان باتیست ویوم طریقه مخصوصی برای خشک کردن چوب کشف نمود. ویلونهائی که او ساخته صدای خوبی دارند، ولی پس از سه چهار سال صدای آن‌ها خراب می‌شود.

دکتر گروسمان Dr Grossmann در برلن نظریه جدیدی در توافق دادن صفحه زیر و روی ویلون پیشنهاد نمود. طبق این رویه صفحه رو و صفحه زیر ویلون باید جور و توافق صدائی پیدا بکنند. (طبق چهارم و پنجم درست.)

برای بهره برداری از نظریه جدید دکتر گروسمان، در برلن شرکتی بنام: «کرمونای جدید Neu Cremona» تأسیس یافت. ویلونهای که از طرف این شرکت ساخته می شد ظاهراً فرقی با ویلونهای خوب جدید نداشت، و از حیث گیرندگی صوت و قوت با ویلونهای ساخت استادان قدیم ایتالیائی برابری می کرد. باین شرط که در محوطه کوچکی نواخته شود. ولی همینکه در تالارهای بزرگ و شلوغ نواخته میشد، قوت صوت خود را از دست میداد.

گرچه با این نظریه موفق نشدند که ویلونی دارای خواص و مزایای ویلونهای قدیم ایتالیائی بسازند، ولی این نظریه وسیله بدست داد برای اینکه در صوت ویلونهای جدید بهبودی حاصل شود.



نویسنده این سطور بکرات بواسیله تغییراتی که در صفحه رو و زیر ویلونهای جدید معمولی داده موفق شده که صدای آنها را بمراتب بهتر بنماید.

چنانکه ملاحظه میشود، تا کنون همه تجسسها و آزمایشهایی که برای بدست آوردن مزایا و خواص ویلونهای استادان قدیم ایتالیائی انجام گرفته، بنا عدم موفقیت مواجه گردیده است. بعقیده ما علت عدم موفقیت مربوط به «رمز سازندگان قدیم ایتالیا» نمیشد؛ بلکه از این لحاظ است که این ویلونها ۲۰۰ سال قبل بتوسط سازندگانی ساخته شده که شغل خود را از پدر بیسر ارث میبرده اند. لذا در طی طول زمان ارتعاش مخصوصی بدست میآورند که با تمام قسمت های آن جور و اخت میگردد. این ارتعاش متحد قسمتهای مختلف ویلون را ویلونهای جدید ندارند و خیلی

محمتم است ویلونهای جدیدی که توسط استادان مشهور ساخته شده، صد سال بعد همان خواص و مزایای سازندگان قدیم ایتالیا را پیدا کنند.

در حقیقت ارزش چیزی همیشه طبق کار و مصالحی که بکار برده شده سنجیده نمیشود. همانطوریکه يك بطری شراب کهنه بیشتر ارزش دارد تا يك بطری از همان شراب که تازه باشد، زیرا در طی مرور زمان خواصی بدست آورده که کارخانه نمیتواند بشراب جدید بدهد.



در خاتمه بی مناسبت نیست راجع بهتک حرمتی که در این سالهای اخیر نسبت باین شاهکار آلات موسیقی شده چند کلمه تذکر بدهم یعنی: ویلن و استعمال آن در موزیک ژاز Jazz

موزیک ژاز که ایجاد آن ناشی از کج سلیقهگی و توحش است، از ویلون صدای بلند و ناهنجاری را تقاضا میکند. برای این منظور چدار های مخصوصی اختراع کرده اند، و از همه بدتر برای ویلن چهار سیم فلزی تعبیه نموده اند.

چیزیکه باعث تأسف است، فقط چهار سیم فلزی نیست که به آلت خشنی که برای ژاز درست شده وصل میشود؛ این ویلون نه تنها باید تحمل صدای ناهنجار سیمهای فلزیرا بکند، بلکه باید داد و جنجال مجالس رقص را نیز خفه بنماید.

مطلب اینجاست که يك ساز قدیمی بسیار لطیف و مو شکاف که در ساختمان آن کش صدا با سیم زهی محاسبه شده و صدها سال دوام آورده، سیم های فلزی که بآن تعبیه میشود در اثر کش شدیدی که وارد میآورد ممکن است در چند

سال صدای آنرا خراب بکنند.

پیراسترو و Pirastro که یکی از بهترین کارخانه های زه امروزه میباشد، طبق تقاضای زمان مجبور شد سیم های فلزی بسازد، ولی راجع باین سیم ها در کاتالگ خود تذکر میدهد:

« هنرمند حقیقی بهیچوجه از سیمهای بی نظیر زهی صرف نظر نمیکند، و آزمایش روزانه بمانشان میدهد هنرمندان بزرگی که گاهی سیم فلزی بکار میبرده اند، امروزه از عقیده خود برگشته و فقط سیمهای زهی استعمال مینمایند. »

س. آرا کلیان

